

یا چارصد باشد صد بار در طول است و مصلح در این وقت است در برقی و بالکالتی
است از ولایات **هند** روشن و خالص یکت در بر فرام نشاید
در وقت **بهار** با لکس معرب از بار باره جمع **بید** بالفتح در کتب **بیطاویط**
بالفتح علاج کننده چهار با مان **بایا** بالکسر است میان بین و بطام **مخ** **الدع**
باز با فو شکاری معروف که از بازی نیز گویند و میزان **بالک** بجزایه **الف** جمع **بار**
اشکار و بیرون آمده **بروز** بالفتح بیرون آمدن و اشکار شدن **را** بالکسر
بجک از میان صف بیرون آمدن مرادف مبارزه و خالط و بالفتح بین فرج و
بروز بالفتح بریز کار و بزرگ بر عقل و رای او افتاد باشد و بالفتح وی است
ب بالفتح و نشدند از کوه و مزارع خانه و صلاح و بر بودن **بنا** بالفتح و نشدند
خام و خوش **بنا** بالفتح بین بر بودن بقره و نهانی و عذر کردن **بنا** بالفتح جوان
رفار و چاک در **بغیر** بالفتح و سکون عین و بر بودن **بنا** و عصاره و نشدند
بازی کردن شده **بغیر** بالفتح دور کردن و دست یابا رسیدن کسی زون
البین **بنا** بالفتح و سکون عجزه و خرابی و سخت شدن در جنگ **بوس**
بالفتح و سکون عجزه **بنا** روزن کس سخت و بشه در زنده و مرد و بیا
سوزن ساجت و بر حال شده از اصیج **با** **بوس** سکون ذال معجز و عجز
است بهرات **بوس** بالفتح و بچم از آن آید روان شدن آنکس که
و دشنام دادن **بوس** بالفتح و بچم از آن آید که بی از آن بر و یاد علم
کردن کسی **بوس** بالفتح حکم بودن بزم خود و بالکسر بجز نیست
و وی است میان کوفه و صلا و صاهر بودن راه در راههای **بوس** بالفتح
بعضی به بعضی چون گفته اند و بعضی با و بر تقدیر کی **بوس** است و بودن
تلافی ظاهر است و گفته اند **بوس** بالفتح کلاه دراز که ترسیان می پوشند

بنا

تفسیر
در نوشته

بنا

بنا بالکسر شتر و در بسیار گستره شتری و کویز ستاره و کت **بنا** بالفتح
نشانه که هو ابر سر نزنه و مانند آن گذارند و سسکی که در میان جاهه اقلند **بنا** بالفتح
آنکه زمان کمشاید و آنکه از ایشان خوش کند معنی گوید معنی اول است که آن
مرد را خدایوده اند که بچس تر بلا بوده اند **بنا** بالفتح و نشدند معنی نرم را اند
و مشابک را کردن شوراندن شتر و مردان آن در میان شترهای و طایفه و آن
و کوشش نمودن و طعام پسند ساختن و آن طعام است که از ارد و میوه و در
سازند و که شتری و قید است از حرم و معنی بس که در در میستعل است از آنکه
بوس بالفتح شتر و ده که نامک بس که گویند شترند و نام زنی است از بی اسیر
که شوهرش راست و دعای سحاب شده بود شوم و حماقت آن زن است
دعای اولی موقع مبالغه و در شتر و نیز نام زنیست که بواسطه او جنگی عظیم میان دو
قید افتاده شده بود و ازین جهت میان عرب شومت ضربت کشید چنانکه گویند
به اشام من **بوس** **بنا** بالفتح هر دو میان جنگ بسا بس که جمع و بسا بسا
بمعنی سخا می باطن از آنکه **بنا** بالفتح با و لام و تقدیر یا بریم نام حکم یونانی
صاحب کتاب خطی و نام پادشاه یونان و بعضی مقدم میم بر یافته اند **بنا**
بعضی هم در بجز میوه است مانند انجیر و بعضی نام کوی است و بعضی بر آنها
که از راه آنکه باشد و چون کسی را عقوبت کنند روی شتر کنند و نوا فرمایند
بنا بالکسر یا کسک سباز و به حضرت سلیمان علیه السلام **بنا** بالفتح
کلمه عوب **بنا** بالفتح بوسه دادن عرب بوسه **بنا** بالفتح و بعضی **بنا**
بنا بالکسر و در وزن خوش رفتار و نام مرد است که در کینه کردن از دشمن **بنا**
الثلث **بنا** بالفتح و سکون **بنا** بالفتح و انداختن کسی را **بنا**
بالکسر شور و شوخا و در آویختن با هم معرب پرفاش **بنا** بالفتح **بنا** بالفتح